

## به مناسبت 27 شهریور ماه، روز بزرگداشت استاد شهریار

استاد شهریار در افکار و اشعار متعدد؛ خودشان را دارای روح و خون ایرانی می دانند و نسبت به اشاعه سخنان تفرقه انگیز که بوی تهدید و تجزیه از آنها به مشام می آید، به همه مردم هشدار می دهد

م/خبرگزاری آران  
نویسنده: مصیب پور اقدم

### خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

آذربایجان همواره مدافع هویت اسلام و اصالت ایرانی بوده است و بزرگان و فرزندان آن پرچمدار این جبهه بوده اند. استاد شهریار در شعر و ادب معاصر از جمله این فرزندان است که با شعر و ادب به مصاف نبرد با بیگانگان و بیگانه گرایان آمد. 27 شهریور ماه مصادف با سالروز وفات این شاعر عارف به عنوان روز شعر و ادب فارسی و روز بزرگداشت این شاعر جلیل القدر نامگذاری شده است. از آنجا که شهریار علاوه بر مهارت و چیره دستی در غزل سرایی و به طور کلی شعر فارسی، اشعار زیبا و دلنشینی نیز به زبان ترکی آذربایجانی نیز دارد، همین امر موجب گردیده است تا برخی محافل ضد ایرانی جمهوری آذربایجان طی سال های اخیر به طور مداوم از شهریار به عنوان شاعری آذری استفاده تبلیغاتی می کند که به همین منظور برگزاری کنگره ها و مراسم های متعدد و مجلل، استفاده از اشعار آذری شهریار و حتی تحریف اشعار فوق و نیز نامگذاری خیابان ها و میدانی در شهرهای جمهوری آذربایجان نه از منظر تعظیم یک شاعر جهانی &ndash; که در این صورت حرکتی ارزشمند بود &ndash; بلکه در راستای القای تفکر تجزیه طلبانه جمهوری آذربایجان صورت گرفته است. نمونه ای از این تفکرات غیر واقع را که قصد دارند به استاد شهریار نسبت دهند در کتاب آتا یوردو به چاپ رسیده رسانده اند تا ذهن کودکان این منطقه را از ابتدا با تاریخ مجعول و ساختگی سیاسی خود انباشته کنند. در این بین دست اندازی های زیادی نیز به اشعار استاد شهریار نموده و منش زندگی و اشعار ایشان را به نفع خودشان مصادره کرده اند. در بخشی از کتاب آتا یوردو آمده است: "استاد شهریار با روح لطیف خود جدایی بخش (ج ن وب ی) و (ش م ا ل ی) آذربایجان را به تصویر کشیده و رود ارس را به قطرات اشک مردم این منطقه تشبیه کرده است که همیشه از این جدایی خون می گیرد." [1] یا در بخش دیگری می نویسند: "استاد زمانی که در تهران سکونت داشت، وقتی می بیند تهران و ایران با ثروت آذربایجان اداره می شود و خود این منطقه به خرابه تبدیل شده است تصمیم می گیرد تا به زادگاه خود بازگردد." [2] می بینیم که در این موارد به وضوح سعی شده است تا استاد را فردی قوم گرا و تجزیه طلب معرفی کنند.

اما آنچه در این بین از اشعار استاد شهریار بر می آید بیانگر واقعیت دیگری است. ایشان همیشه در افکار و اشعار متعدد؛ خودشان را دارای روح و خون ایرانی می دانند و نسبت به اشاعه سخنان تفرقه انگیز که بوی تهدید و تجزیه از آنها به مشام می آید، به همه مردم هشدار می دهد و خطاب به آذربایجان می گوید:

ای که دور از دامن مهر تو نالد جان من چون شکسته بال مرغی در هوای آشیان..

تو همایون مهد زرتشتی و فرزندان تو پور ایرانند و پاک آیین نژاد آریان

با خطی برجسته در تاریخ ایران نقش بست همت والای سردار مَهِین ستارخان

این همان تبریز کامثال خیابانی در او جان برافشانند بر شمع وطن پروانه سان&hellip;

این همان تبریز کز خون جوانانش هنوز لاله گون بینی همی رود ارس، دشت مغان&hellip; [3]

یا در شعر مشهور آذربایجان می فرمایند:

تا باشد آذربایجان بیوند ایران است و بس این گفت با صوتی رسا فریاد آذربایجان

استاد شهریار قطعه شعر فوق را «جوش خون ایرانی» خویش می داند و می گوید:

این قصیدت را که جوش خون ایرانی است گوهر افشان خواستم در پای ایران جوان

شهریارا تا بود از آب، آتش را گزند باد خاک پاک ایران جوان مهدامان [4]

گذشته از این ها، استاد شهریار در ایام پرافتخار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با زبان و اشعار گهربار خود در خدمت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گوهر افشانی کرد. چنان که خود ایشان گفته است:

«&hellip; الحمدلله الهام شعری، و زبان الکنی هنوز هست. و از زمان انقلاب به این طرف هم از جهاد قلمی، یک لحظه من باز نایستاده ام&hellip;»

و همین شاعر پرآوازه در تعریف شعر و شعر شاهکار مردم می گوید:

حقیقت شعر، حرفی است که از دل بر بیاید و در دل بنشیند من در این دوره انقلاب، از این شعر، شاهکارتر ندیدم که، این جمعیت یک دفعه فریاد می زند:

خدایا. خدایا.

تا انقلاب مهدی

خمینی را نگهدار

شاید این شعر، صدها بار مرا منقلب کرده است که هیچ غزلی این تأثیر را در من نداشته است&hellip;»

استاد شهریار ارادت قلبی به حضرت امام خمینی(ره) داشته و از ایشان بعنوان رهبر کبیر و خمینی بت شکن یاد می کردند

این «رهبر کبیر»، «خمینی بت شکن» خط امان خود از «امام زمان» گرفت

سر پنجه «ولی» است کزین آستان برون بیخ گلوی فتنه آخر زمان گرفت&hellip;

استاد شهریار نسبت به مقام معظم رهبری هم که در آن زمان رئیس جمهور و امام جمعه تهران بودند ارادت خاصی داشتند و در اشعاری خطاب به ایشان می فرمایند:

در رکوع و سجود خامنه ای من هم از دور سررنگون دلم

خاصه وقت قنوت او کز غیب دست ها می شود ستون دلم

او به یک دست و من هزاران دست با وی افشانم از بطون دلم

استاد شهریار در خصوص جدایی قفقاز از ایران هم در اشعاری با عنوان "شیطان الفیاسی" به این موضوع اشاره می کند و می گوید:

کفر، گوردوز نجه چی - چی یندی اسلام جگرین سیزده کفرون جیگرین ایندی کباب ائتمه&hellip;لی سیز

آپاریپ قافقازی جنگ ایله جواب ائندی بیزه سیزده شیطان جهاد ایله جواب ائتمه لی سیز [5]

واضح است که استاد افکار خود را در قالب این اشعار نسبت به جدایی منطقه قفقاز از ایران و همچنین ارادت ایشان نسبت به ایران و انقلاب را بیان می نمایند.

البته استاد شهریار علاقه خود را نسبت به زبان مادری (ترکی آذربایجانی) کتمان نمی کند اما ارادت خود را نیز به ایران و ایرانی بودنش بیان می کند و می گوید:

گرچه ترکی بس عزیز است و زبان مادری لیک اگر «ایران»؛ نگوید لال بادا این زبان

در مجموع می توان بر اساس اشعار فارسی و ترکی استاد شهریار، وی را یک ایرانی میهن دوست و پایبند به اصول فرهنگی تمدن ایرانی دانست که موضعی سازش ناپذیر و سرسخت در مقابل

دشمنان این آب و خاک دارد و در برهه های تاریخی دهه بیست و سال های آغازین انقلاب اسلامی که (آزمون های مهم و حساس نخبگان قومی در میزان پایبندی به آرمان های ملی عموم ملت

بوده است) استاد شهریار در کنار مردم ایران ایستاده است و علیه معدود افراد ناآگاه یا گمراه موضع گرفته است.

در پایان نیز لازم است به این ابیات حضرت استاد را که به زبان شاعرانه، نصیحتی پدرانیه بیان می کنند را اشاره کنیم

چو خواهد دشمنی بنیاد قومی را براندازد نخست آن جمع را از هم پریشان و جدا سازد

چه تنها کد هیک، ا به تنه‌ا، ده تا؛ د حنا، اندا؛ د ش، ا؛ با که دیگ س ننه‌ا؛ د

[1] آتا یوردو &ndash؛ ص 209 و ص 210

[2] آتا یوردو &ndash؛ ص 211

[3] دیوان اشعار- ج ۱- ص ۳۵۲

[4] دیوان اشعار- ج ۱- ص ۳۶۵

[5] دیدید که چگونه کفر، جگر اسلام را خام خام خورد اکنون شما باید جگر کفر را بسوزانید  
قفقاز را از ما جدا کرد و با جنگ پاسخ ما را داد شما نیز باید اکنون با جهاد پاسخ شیطان را بدهید